

خردروایاتی درباره حسینعلی راشد که مردم برای شنیدن سخنرانی‌اش روی پشت‌بام‌ها جمع می‌شدند

مشهورترین واعظ رادیویی ایران



رضا سلیمان‌نوری| ظهور وسایل نوین ارتباطی تحولات بزرگی را در نحوه اطلاع‌رسانی و تبلیغ دین ایجاد کرد. این تغییرات باعث شد در دوره‌ای رادیو واحد زیادی جای منبر را بگیرد و سخنرانان مذهبی از این وسیله ارتباطی برای رساندن آموزه‌های دینی خود به تعداد بیشتری از افراد جامعه استفاده کنند. یکی از شاخص‌ترین این سخنرانان «حجت‌الاسلام شیخ حسینعلی راشد‌ترینتی» یا به قول مدیران قدیمی رادیو «راشدخراسانی» بود. او نزدیک به هجده سال، هرشب جمعه، در رادیو سخنرانی مذهبی داشت و در مناسبت‌های مختلف مذهبی دیگر هم مهم‌ترین سخنران رادیو بود. موسیبدکرده‌ها حتماً خاطرشان هست که دعای تحویل سال را هم راشدخراسانی می‌خواند و صدایش در حافظه بسیاری از ایرانیانی که بیش از پنجاه سال سن دارند، نقش بسته است، البته سال‌های طولانی همکاری راشد با رادیو در دوران پیش از انقلاب به معنی وابستگی او به رژیم گذشته یا شناگوی دربار بودنش نیست و به‌رغم پرداختن به معنویات و اخلاق با سیاست بیگانه نبود و نه‌تنها پس از قیام مسجد گوهرشاد بازداشت شد، از حامیان جنبش ملی کردن صنعت نفت هم محسوب می‌شد. در سطرهای بعدی از زندگی این چهره خراسانی می‌گوییم که ۴۴ سال پیش در همین روزها دار فانی را وداع گفت.



حسینعلی راشد، از تولد تا آمدن به مشهد

حسینعلی راشد، دوم تیر ۱۲۸۴ خورشیدی در روستای کاریزک تربت حیدریه در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشود. پدر او عارف والاقدّر معاصر، «ملاعباس تربتی»، معروف به «حاج‌آخوند» بود که کتاب «فضیلت‌های فراموش‌شده» درباره او نوشته شده است. راشد آموختن را در مکتب‌خانه و با فراگیری قرآن، شعر، ادبیات فارسی و متون اخلاقی آغاز کرد و در ادامه به مدرسه «اسحاق‌خانی» رفت و در آنجا ادبیات عرب، منطق و برخی از متون فقه و اصول را نزد پدرش و سایر بزرگان حوزه تربت آموخت. راشد پس از آن سال ۱۲۹۸ خورشیدی همراه پدر برای زیارت مرقد امام حسین^(ع) به کربلا رفت و اندکی بعد از بازگشت به زادگاهش در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برای ادامه تحصیل به همراه پدر راهی مشهد شد.

در مشهد

مدرسه «دودر» محل اقامت راشد در مشهد بود. او در این دوره از زندگی‌اش که یک دهه طول کشید، از محضر دانشوران نامور مقیم مشهد آن دوران بهره برد. «میرزاعبدالجواد» معروف به «ادیب‌نیشابوری اول»، «میرزامحمدباقر مدرس رضوی»، «حاج شیخ محمدنهادی»، «حاج شیخ حسن برسی»، «آقابزرگ حکیم»، «آقاسید جعفر شهرستانی» و «میرزااحمدکفایی» از بزرگانی بودند که راشد نزدشان دانش‌آموزی کرد. او در ادامه در درس خارج بزرگان وقت حوزه مشهد، یعنی آیات «حاج میرزا محمد» معروف به «آقازاده خراسانی»، «حاج آقا حسین قمی»،

اولین منبری که در شیراز برگزار شد

راشد پس از ۱۰سال حضور در مشهد برای تکمیل تحصیلات خود راهی نجف اشرف شد ولی آب‌وهوای این شهر با طبیعتش نساخت و او را بیمار کرد. او پس از چندماه حضور در نجف و شرکت در درس بزرگانی چون آیات عظام میرزااحسین‌تائینی و سیدابوالحسن اصفهانی و پس از کسب مجوز اجتهاد از برخی از علمای مشهور نجف به ایران برگشت و پس از اقامتی کوتاه در تهران و قم، ساکن شیراز شد. او سال ۱۳۱۲ و هم‌زمان با دهه اول محرم وارد شیراز شد و به دعوت مردم شهر، در حرم حضرت شاهچراغ^(ع) منبر رفت. این سخنرانی، آغاز ورود او به فضای وعظ و خطابه بود؛ آن هم در دوران اوج گرفتن اختناق رضاخانی و افزایش محدودیت برای اهل منبر راشد خودش درباره نخستین منبری که در شیراز رفت، این‌طور نوشته است: «سال ۱۳۱۲ خورشیدی که بنابر پیشامدی در شیراز بودم، روز یازدهم محرم برای استماع روضه به منزل آیت...آقای شیخ جعفر محلاتی رفته بودم. آقایان

مردم برای شنیدن سخنرانی‌اش روی پشت‌بام جمع می‌شدند

راشد در اصفهان بارها بر منابر شهر به وعظ و خطابه پرداخت. سخنان او آن چنان مقبول دل اهالی اصفهان بود که هنگام سخنرانی‌اش پشت‌بام

۷۵ روز زندان برای واقعه مسجد گوهرشاد

این وضعیت ادامه داشت تا سال ۱۳۱۴ خورشیدی و اندکی پس از واقعه مسجد گوهرشاد مشهد که راشد بازداشت شد. این بازداشت بر پایه گزارشی بود که سرگرد حسینیقلی سطوتی، فرمانده تیپ مستقل اصفهان، به تهران مخابره کرده و در آن شیخ را متهم کرده بود که پس از واقعه گوهرشاد، غیرمستقیم مردم اصفهان را به مبارزه علیه حاکمیت تحریک کرده است. راشد ۷۵ روز را در زندان انفرادی سر کرد و پس از آن بر اثر تلاش دوستدارانش با دو شرط (خارج نشدن از اصفهان

دعوت برای برگزاری منبرهای محرمانه در تهران

راشد پس از ورود به تهران مدتی با حقوق اندک و به عنوان مصحح در شرکت مطبوعات فعالیت کرد. او در این دوران روزها به چاپخانه می‌رفت و به‌رغم جایگاه علمی‌ای که داشت، به‌کاری مشغول می‌شد که از عهده هرفرد کم‌سواد ی برمی‌آمد. راشد در این مدت ضمن انتشار کتاب «دو فیلسوف شرق و غرب» در مقایسه افکار ملاصدرا و انیشتین مقالات زیادی در روزنامه ایران هم منتشر کرد. کم‌کم روزنامه اطلاعات هم از او دعوت کرد تا با هیئت تحریریه این روزنامه همکاری کند. نوشتن

آغاز کار با رسانه‌ها و شروع مباحث مذهبی در رادیو تهران

با سقوط پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰، راشد فعالیت‌های عمومی‌اش را از سر گرفت و در بهمن همان سال به رادیو ایران دعوت شد تا شب‌های جمعه برای مردم سخنرانی کند. مردم ساعت ۸شب پنجشنبه‌ها، از رادیو، صدای آشنایی را می‌همان خانه‌های خود می‌کردند و مشتاقانه به آن گوش می‌سپردند. اودراین‌باره هم چنین گفته است: «در ایام عاشورای سال ۱۳۶۱، یعنی اوائل بهمن ۱۳۲۰، از این بنده دعوت شد که شب تاسوعا و عاشورا و یازدهم محرم در «رادیو تهران» سخنرانی کنم. از این دعوت حسن استقبال کردم؛ زیرا همیشه عقیده داشتم که باید در رادیو سخنرانی دینی هم باشد. باری، خدا خواست و سخنرانی کردم و آن سه شب مورد توجه عموم واقع شد. به‌طوری‌که عموم طبقات خواستند که حداقل هفته‌ای یک شب در رادیو سخنرانی دینی باشد. این موضوع باعث شد

آرام، شمرده و ساده صحبت می‌کرد

راشد در ادامه زندگی روزگار را با تدریس در دانشکده معارف اسلامی دانشگاه تهران و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) و سخنرانی‌های رادیویی طی می‌کرد. منبرهای راشد بسیار منظم و مرتب و روشمند بود. او آرام، شمرده و ساده صحبت می‌کرد؛ نخست به تحلیل وبررسی وتفسیر وگزارش آیه‌ای ازقرآن‌کریم می‌پرداخت، سپس از برخی احادیث که تفصیل آن آیات بود، یاد می‌کرد و در این میان، به



محبویت راشد و نمایندگی مردم در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی

جایگاه مردمی راشد باعث شد مردم تهران در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی که درفروردین ۱۳۳۱ برگزار شد، او را به‌عنوان نماینده خود راهی خانه ملت کنند. این درحالی بود که راشد ریالی برای خود تبلیغ نکرده بود. او که یکی از «روحانی این دوره مجلس بود، در جلسه ۱۸ خرداد۱۳۳۱ خانه ملت، ضمن تشریح اوضاع مملکت، درباره انتخابات دوره هفدهم گفت: «قسمت عمده این انتخابات که تا به حال انجام شده، ناصحیح بوده است...» این سخن حق، موجب اعتراض وکلای درباری شد و حتی فقیهی شیرازی در مقام اعتراض به راشد سخنی چندگفت که راشد در پاسخ او فریاد زد: «خجالت بکش! شما را از خرم‌آباد درآوردند، ولی من طبیعی‌ترین وکیل هفدهم از تهران هستم...» راشد پس از این واقعه قصد استعفا از نمایندگی را داشت اما با دخالت دکتر مصدق منصرف شد، ولی از حضور در مجلس خودداری کرد. او علت انصراف از ادامه خدمت در مجلس را نداشتن سلیقه سیاسی مطابق محیط موجود مجلس بیان کرد؛ البته این به معنای خدا حافظی او با سیاست نبود؛ زیرا ۲۹ تیر۱۳۳۱، یک روز پیش از واقعه ۳۰ تیر، بیانیه‌ای در حمایت از نهضت ملی صادر و بیان کرد: «این‌جانب با نهضتی که در مردم ایران برای تکمیل آزادی و استقلال پدید آمده است همیشه موافق بوده‌ام و هستم و خودم نیز دائم‌ادر ضمن بیانانم مردم را به آزادی و کوشش برای به دست آوردن حکومت عادلانه ملی و رسیدن به معنی مشروطیت تشویق می‌کرده‌ام و چنانچه در جلسه ۱۸ خرداد در مجلس اظهار کرده‌ام، نهضتی که در مردم ایران پدید آمد، البته به معنی وسیع‌تر از اینکه منحصر به یک مسئله باشد، واقعیت دارد و تا مغز استخوان هر فرد رسید، و مبارزه با آن میسر نیست.»



مخاطبان بی شمار مرحوم راشد در یکی از منبرهای او

شاه گفت: خطیب ما که نیست!

بر خلاف تصور، رابطه راشد با پهلوی‌ها شکرآب بود. در تأیید این مدعا باید به گفتار مرحوم فروزانفر اشاره کرد. وی هنگام توصیف زندگی وروش کار مرحوم راشد گفته بود: «بدون آذن واطلاع آقای راشد، مراتب فقر و سختی معیشت آقای راشد را به شاه یادآوری کردم و گفتم: دریغ است که این خطیب مردمی در چنین وضعیتی باشد. شاه، مغرور و بی‌اعتنا پاسخ داد: خطیب ما که نیست! خطیب مردم است. همان‌ها به داش برسند.» در همین‌باره برخورد راشد با دوتن از فرزندان پهلوی اول هم سال‌ها نقل محافل مذهبی تهران بود. در یکی از جلسات سخنرانی آقای راشد دونفر از برادران شاه برای شرکت در عزاداری به مسجد شیخ عبدالحسین (آذربایجانی‌ها) وارد می‌شوند. جمعیت کنار در ورودی از جا بلند می‌شود تا آنان را به سوی صدر مجلس راه دهد. در این هنگام آقای راشد با تندی خطاب به مردم می‌گوید: «بنشینید! اینجا مسجد است و خانه خداست و مردم همه در آن باید یکسان در برابر او خاضع و خاشع باشند.»

توجه به بیت‌المال

راشد به معنای واقعی عالم عامل بود. در همین راستا مشهور است که در زمان پهلوی دوم قرار بر تخریب خانه‌های موجود در منطقه بهارستان و اطراف ساختمان مجلس شورای ملی (به‌منظور گسترش فضای مجلس) بوده است. بر همین اساس به صاحبان ۲۵ خانه قرارگرفته در طرح اعلام می‌شود که دولت خانه شما متری فلان مقدار خریداری می‌کند اما هرکس اعتراض دارد، بنویسد تا رسیدگی شود. هیچ‌کس به‌جز مرحوم راشد اعتراض نمی‌کند. این جریان خیلی بر مسئولان امر گران می‌آید و می‌گویند: «فقط این آخوند، اعتراض کرده است!» بعد مرحوم راشد را دعوت می‌کنند تا پس از شنیدن اعتراض وی با او برخورد کلامی کنند اما راشد دلیلی را برای اعتراض خود اعلام می‌کند که اعضای کمیسیون مسئول این امر در حیرت فرو می‌روند. او می‌گوید: «حقیقت این است که این خانه را من سال‌ها قبل و به قیمت خیلی کم خریده‌ام و در این مدت زمان طولانی مخروبه شده است و به نظر من قیمتی که شما پیشنهاد کرده‌اید، زیاد است. من راضی نیستم از بیت‌المال مردم قیمت بیشتری برای خانه‌ام بگیرم.» نقل است درحالی‌که همه حاضران پس از این سخنان در تعجب فرو رفته‌اند؛ یکی از اعضای کمیسیون که از اقلیت‌های دینی بوده است، از جا برمی‌خیزد، راشد را می‌بوسد و می‌گوید: «اگر اسلام این است، من آماده‌ام برای مسلمان شدن...»

منایخ

زندگی‌نامه و

خدمات علمی

فرهنگی

مرحوم شیخ

حسینعلی

را. راشد. اثر

انجمن آثار

و مفاخر

فرهنگی. قلم

و سیاست

(از استغفای

رضاشاه

تا سقوط

(مصدق،

نوشته

محمد علی

سفری، قیام

۳۰ تیر، پیروزی

مردم سالاری بر

توطئه، به قلم

سید حسن

امین، جرعه‌ای

از دریا...

اثر آیتا...

شبیری زنجانی،

یادداشت‌ها.

اثر قاسم غنی،

آینه

دانشوران، اثر

سیدعلیرضا

روحان یزدی،

تغییر لباس و

کشف حجاب

به روایت

اسناد،

سخنرانی‌های

هفتگی...

مجموعه

سخنرانی‌های

راشد و

نشریات

حافظ.

خواندنی‌ها و

خراسان.